برائت از قتل رقیب عشقی

دختر و پسری که به اتهام قتل خواستگار سمج بازداشت شده بودند از اتهام خود تبرئه شدند.

به گزارش خبرنگار ما، اسفندسال ۹۴، مرد سالخورده‌ای با مراجعه به اداره پلیس مأموران را از مرگ مشکوک پسر ۲۷ساله‌اش به نام مجید باخبر کرد و گفت:«پسرم پنج‌سال قبل با دختر جوانی به نام مرجان آشنا شده بود و آنها با هم دوست بودند. روز گذشته دو نفری برای گردش به غرب تهران رفته بودند که همان موقع مرجان هراسان با پسر بزرگم تماس گرفت و گفت مجید قصد خودکشی دارد. با پسر بزرگم به محل رفتیم اما با جسد خونین مجید در حالیکه یک تیر به سرش شلیک شده بود روبه‌رو شدیم. به مرجان مظنون هستم و احتمال دارد قتل کار او باشد.»

با طرح این شکایت، مرجان ۲۵ساله شناسایی و بازداشت شد. او در بازجویی‌ها گفت:«با مجید نسبت فامیلی دوری داشتم و پنج‌سالی بود که با هم رابطه داشتیم. دو سالی بود که رابطه ما صمیمی‌تر شده بود اما این اواخر احساس کردم بهتر است رابطه‌مان را قطع کنیم. خودم پیش قدم شدم و رابطه‌ام را با مجید قطع کردم تا اینکه با پسری به نام کامران آشنا شدم. کامران پسر مورد علاقه من بود و قرار بود با هم ازدواج کنیم. وقتی مجید از این رابطه باخبر شد تماس گرفت و به اصرار خواست برای آخرین بار به دیدنش بروم.»

دختر جوان در ادامه گفت: «وقتی سر قرار رفتم مجید ادعاهای عجیبی داشت. او می‌گفت مبتلا به بیماری سرطان شده و مدت کمی زنده است. به همین دلیل از من خواست در این مدت کم رابطه‌ام را با او ادامه دهم، اما وقتی مخالفت کردم سمت ماشینش رفت و وقتی برگشت اسلحه‌ای در دست داشت که روی شقیقه‌اش گذاشته بود. با دیدن آن صحنه دستپاچه شدم و سعی کردم او را آرام کنم اما بی‌فایده بود. همان موقع از ترس با برادر بزرگترش تماس گرفتم و کمک خواستم ولی مجید همان لحظه یک تیر به سرش شلیک کرد. نمی‌دانستم باید چه کار کنم، به فکرم رسید از کامران کمک بگیرم. وقتی با کامران تماس گرفتم بلافاصله خودش را به محل رساند و با اورژانس تماس گرفت اما تا مجید را به بیمارستان برسانیم بی‌فایده بود و او دیگر نفس نمی‌کشید.»

در حالیکه تحقیقات در این زمینه ادامه داشت، شاهدی با مأموران تماس گرفت و گفت اطلاعات تازه‌ای از حادثه دارد. او با مراجعه به پلیس آگاهی گفت: «آن روز در حال عبور از خیابان متوجه دختر و پسر جوانی شدم که با هم مشاجره می‌کردند. کنجکاو شدم به همین خاطر توجه‌ام به سمت آنجا جلب شد. همان لحظه پسر جوان اسلحه‌ای را روی شقیقه‌اش گذاشت و شلیک کرد. آنجا بود که دختر جوان وحشت زده از محل گریخت.»

بعد از گواهی شاهد حادثه اما با پیگیری‌های اولیای‌دم کیفرخواست علیه دختر جوان صادر و پرونده به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد، اما هیئت قضایی بعد از بررسی اوراق پرونده حکم منع تعقیب را برای دختر جوان صادر کردند. پرونده با اعتراض پدر مقتول که مدعی بود پسرش بیماری سرطان نداشت و این بار کامران را عامل قتل می‌دانست، بار دیگر در دست بررسی قرار گرفت.

به این ترتیب پرونده برای تحقیقات بیشتر به دادسرا فرستاده شد و این بار کامران تحت بازجویی قرار گرفت. پسر جوان در توضیح به مأموران گفت: «از رابطه قبلی مرجان با مجید خبر نداشتم. روز حادثه مرجان با من تماس گرفت و در حالیکه صدایش می‌لرزید از من کمک خواست. وقتی به محل رسیدم، دیدم مجید خودکشی کرده است.» در روند تحقیقات یکی از دوستان مجید به عنوان شاهد احضار شد و گفت: «چند ماه قبل با مجید برای تفریح بیرون رفته بودیم که او سر حرف را باز کرد و گفت به سرطان ریه مبتلا شده و حالش خوب نیست. او وقتی این حرف را زد قول گرفت در این مورد با کسی حرف نزنم. به همین خاطر به پدر و مادر مجید حرفی نزدم.»

بعد از کامل شدن تحقیقات، پرونده بار دیگر به همان شعبه به ریاست قاضی عبداللهی فرستاده شد و روی میز هیئت قضایی قرار گرفت. ابتدای جلسه اولیای‌دم درخواست قصاص کردند. سپس هر دو متهم به نوبت در جایگاه قرار گرفتند و طبق اظهارات قبلی گفتند مجید دست به خودکشی زده است و آنها در مرگ او بی‌گناه هستند.

در پایان هیئت قضایی بعد از شور دختر و پسر جوان را از قتل عمد تبرئه و برای آنها حکم منع تعقیب را صادر کرد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و از سوی قضات شعبه نهم دیوان عالی کشور تأیید شد.

عامل شلیک مرگبار به پسر نوجوان پای میز محاکمه ایستاد

گلوله سرگردان یا شلیک مستقیم؟!

مأمور پلیس که در جریان طرح پاکسازی یکی از پارک‌های جنگلی با شلیک گلوله باعث کشته شدن پسر نوجوانی شده بود، روز گذشته محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما، تابستان سال ۹۵، مأموران پلیس از قتل نوجوان ۱۶ساله به نام احمد در یکی از پارک‌های جنگلی حاشیه غرب تهران باخبر و راهی محل شدند. شواهد نشان می‌داد پسر نوجوان در اجرای طرح پاکسازی پارک بر اثر شلیک گلوله یکی از مأموران پلیس مجروح شده و در راه انتقال به بیمارستان جان سپرده است.

بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی مأمور پلیس بازداشت شد و در بازجویی‌ها گفت: «همراه همکارانم برای اجرای طرح پاکسازی پارک از معتادان و مواد فروشان به پارک جنگلی در غرب تهران اعزام شده بودیم. وقتی وارد پارک شدیم معتادان و موادفروشان با دیدن ما پا به فرار گذاشتند و چند نفر از آنها نیز به سمت ما حمله‌ور شدند. حین حمله متوجه شدم بعضی از آنها اسلحه دارند به همین دلیل برای دفاع از خودم و همکارانم به ناچار چند تیر هوایی شلیک کردم. در حال تعقیب آنها پایم روی قسمتی از زمین پارک که سنگلاخ بود سر خورد و ناگهان روی زمین افتادم. همان حین از اسلحه‌ام گلوله‌ای شلیک شد که از بدشانسی به پسر نوجوان برخورد کرد و او کشته شد.»

بعد از این توضیحات، کیفرخواست علیه مأمور پلیس مبنی بر اعلام نظریه پزشکی قانونی که اعلام کرده بود تیر به صورت مستقیم شلیک شده است، صادر و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

صبح دیروز پرونده روی میز هیئت قضایی همان شعبه به ریاست قاضی زالی قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه، پدر مقتول با اعلام درخواست قصاص گفت: «من همراه خانواده‌ام در شهرستان زندگی می‌کنم. پسرم دو هفته قبل از حادثه همراه دوستانش برای کار به تهران آمده بود. قرار بود کار مناسبی پیدا کند و در تهران ساکن شود که این حادثه اتفاق افتاد و بی‌دلیل در پارک کشته شد. او برای تفریح به پارک رفته بود. معتاد یا مواد فروش نبود اما بعد از کشته شدن او به دروغ گفتند که احمد مواد فروش بوده است.»

در ادامه مأمور پلیس در جایگاه ایستاد و با انکار جرمش در دفاع از خود گفت: «روز حادثه وقتی به پارک جنگلی رسیدیم جمعیت زیادی آنجا بودند. با دستگیری تعدادی از معتادان و موادفروشان، همکارانم از مقتول مقداری مواد گرفته بودند به همین خاطر او هم بازداشت شد.» مأمور پلیس در ادامه گفت: «چون زمین پارک لیز و سنگلاخی بود و حرکت کردن روی آن سخت بود، من فقط چند تیرهوایی شلیک کردم که هیچ کدام از تیرهای شلیک شده به مقتول برخورد نکرد و نمی‌دانم مقتول چطور کشته شد.»

در پایان هیئت قضایی بعد از شور، حکم بازداشت مأمور پلیس را صادر کرد تا در روزهای آینده حکم لازم را صادر شود.

کودک در سلامت کامل به آغوش خانواده‌اش بازگشت

ربودن کودک خردسال برای اخاذی ۱۰ میلیون تومانی

مرد معتاد موتورسواری که پسر هفت‌ساله‌ای را برای اخاذی ۱۰میلیون تومانی ربوده بود با شلیک گلوله پلیس به دام افتاد. در این حادثه مأموران دو مظنون دیگر را که احتمالاً با متهم همدستی کرده بودند بازداشت کردند.

به گزارش خبرنگار ما، چند روز قبل مردی سراسیمه به اداره پلیس رفت و گفت مرد موتورسواری پسر هفت‌ساله‌اش را ربوده است.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: پسرم کیوان همراه خواهرش که دوسال از او بزرگتر است هر روز برای بازی با بچه‌های همسایه‌ها به داخل کوچه می‌روند و شب دوباره به خانه بر می‌گردند. امروز بعد از ظهر هر دو به داخل کوچه رفتند تا اینکه ساعت ۱۹:۳۰ دخترم در حالی که گریه می‌کرد به خانه آمد و گفت نیم‌ساعت قبل مرد موتورسواری کیوان را به بهانه پرسیدن آدرس با خودش برده و دیگر باز نگردانده است. وی ادامه داد: الان ساعتی است همراه همسایه‌ها و بستگانمان خیابان‌ها و کوچه‌ها و پارک‌های اطراف را گشتیم اما خبری از کیوان پیدا نکردیم.

کودک ربا مرد آشنایی بود

پس از طرح این شکایت مأموران در نخستین گام از خواهر پسر ربوده شده تحقیق کردند که مشخص شد وی مرد آدم‌ربا را می‌شناسد. وی گفت: ما در حال بازی بودیم که مرد موتورسواری به نزدیک ما آمد و از کیوان آدرسی پرسید. او به کیوان گفت اگر او را راهنمایی کند برایش خوراکی می‌خرد و کیوان هم سوار موتورسیکلت مرد جوان شد و همراه او رفت. من نیم ساعتی منتظر کیوان بودم، اما کیوان نیامد و به خانه‌مان رفتم و به مادر و پدرم موضوع را توضیح دادم. وی درباره مشخصات ظاهری مرد آدم‌ربا گفت: من چند باری او را در خانه همسایه‌مان دیده بودم و کیوان هم او را می‌شناخت. به همین دلیل کیوان به او اعتماد کرد و سوار موتور سیکلت او شد.

درخواست ۱۰ میلیون تومان برای آزادی کودک ۷ ساله

در حالی که مأموران به دستور قاضی رضوانی، بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی تحقیقات گسترده‌ای را برای ردیابی مرد موتور سوار آغاز کرده بودند شاکی دوباره به اداره پلیس رفت و گفت مرد آدم‌ربا با آنها تماس گرفته است و برای آزادی پسرش درخواست ۱۰میلیون تومان پول کرده است. وی گفت: دقایقی قبل مرد آدم‌ربا با تلفن من تماس گرفت. در حالی که صدای گریه پسرم به گوشم می‌رسید مرا تهدید کرد هر چه زودتر برای او ۱۰میلیون تومان فراهم کنم وگرنه اتفاق بدی در انتظار پسرم است.

دستگیری مرد همسایه به عنوان مظنون آدم‌ربایی

مأموران در گام بعدی برای شناسایی متهم راهی خانه مرد همسایه شدند و وی را به عنوان مظنون حادثه بازداشت کردند. وی در بازجویی‌ها همدستی با متهم را انکار کرد و گفت: مرد موتور سوار هوشنگ نام دارد و از دوستان قدیمی من است. او به خانه من رفت و آمد می‌کند و مدتی است به مواد مخدر معتاد شده است و احتمال می‌دهم برای گرفتن پول و خرید مواد دست به آدم‌ربایی زده است، اما من وضع مالی خوبی دارم و در کار ساخت و ساز هستم و نیازی به پول ندارم که آدم‌ربایی کنم.

رهایی کودک ۷ ساله از دست آدم ربا

با شناسایی متهم، مأموران تحقیقات برای دستگیری متهم را ادامه دادند تا اینکه پس از گذشت پنج‌ساعت از حادثه حدود ساعت ۳۰دقیقه بامداد دریافتند مرد آدم‌ربا کودک ۷ساله را در نزدیکی خانه‌شان رها کرده و از محل گریخته است.

کیوان پس از آزادی گفت: درحال بازی بودم که مرد موتور سوار از من آدرسی پرسید. او از من خواست سوار موتورش شوم و آدرس را به او نشان بدهم. دقایقی بعد کنار خیابانی موتورش را نگه داشت و مردی با خودروی پژویی کنار ما توقف کرد و خودرواش را در اختیار مرد موتور سوار قرار داد. او مرا به زور سوار خودرو کرد و به راه افتاد. خیلی ترسیده بودم و با گریه گفتم مرا رها کند، اما او گفت اگر حرفی بزنم مرا می‌کشد. او مرا به خانه‌ای برد و در یکی از اتاق‌ها زندانی کرد. هر چقدر گریه کردم فایده‌ای نداشت تا اینکه چند ساعت بعد مرا دوباره سوار خودرو کرد و در یکی از خیابان‌های نزدیک خانه‌مان از خودرو به پایین انداخت و خودش با خودرو فرار کرد. مأموران در ادامه با بررسی دوربین‌های مداربسته دریافتند خودروی پژو متعلق به برادر زن هوشنگ است. بدین ترتیب وی را برای بازجویی بازداشت کردند.

وی در بازجویی‌ها جرم خود را انکار کرد و گفت: روز حادثه هوشنگ با من تماس گرفت و گفت چند ساعتی خودروی مرا لازم دارد. با او قرار گذاشتم و خودروام را تحویل او دادم و موتورسیکلتش را گرفتم و خبر نداشتم که او کودک‌ربایی کرده‌است.

دستگیری آدم ربا با شلیک گلوله پلیس

در حالی که تحقیقات از دو متهم مظنون به آدم‌ربا ادامه داشت مأموران مشخصات هوشنگ را در اختیار گشت‌های پلیس قرار دادند تا اینکه عصر روز چهارشنبه ۲۷تیرماه مأموران در حوالی خیابان نارمک مرد آدم‌ربا را در حالی که سوار بر موتور سیکلتش بود شناسایی کردند و دستور ایست دادند. متهم با دیدن مأموران اقدام به فرار کرد و مأموران پس از تعقیب و گریز کوتاه متهم را از ناحیه پا هدف شلیک گلوله قرار دادند و وی را زمینگیر کردند. متهم پس از انتقال به بیمارستان به جرم خود اقرار کرد. وی گفت: من معتاد به مواد مخدر هستم. مدتی است مصرفم زیاد شده است و برای خرید مواد با مشکل روبه‌رو هستم. روز حادثه خیلی خمار بودم و پولی برای خرید مواد نداشتم. وقتی از خانه دوستم خارج شدم چشمم داخل کوچه به پسر هفت‌ساله افتاد و نقشه آدم‌ربایی برای اخاذی از خانواده‌اش را طراحی و اجرا کردم.

تحقیقات از متهمان به دستور قاضی رضوانی از سوی مأموران ادامه دارد.

بررسی مرگ مشکوک دختر ۱۷ ساله

تحقیقات پلیس تهران برای رمزگشایی از مرگ مشکوک دختری که بعد از سقوط از خودروی پسر مورد علاقه‌اش در یکی از بزرگراه‌های تهران جان باخته در جریان است.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱:۳۰ بامداد دیروز قاضی ولی مرادی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب از مرگ مشکوک دختر نوجوانی در حوالی بزرگراه یادگار امام با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در محل حادثه که بعد از بلوار فرحزادی نرسیده به خیابان سرو بود با جسد دختر ۱۷ساله‌ای به نام سمیه روبه‌رو شدند که بررسی‌ها حکایت از این داشت لحظاتی قبل دختر فوت شده از داخل خودروی پسر مورد علاقه‌اش به طرز مشکوکی به بیرون پرت شده و جان باخته است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران راننده خودروی پراید را که پسر ۲۳ساله‌ای به نام احسان است بازداشت کردند.

صبح دیروز متهم به دادسرای امور جنایی منتقل شد و مورد بازجویی قرار گرفت. وی در شرح حادثه گفت: من دانشجوی رشته حسابداری هستم و زمان بیکاری‌ام با خودروی پرایدم مسافرکشی می‌کنم. یک سال و نیم قبل سمیه که آن زمان نمی‌شناختمش مرا عضو گروه تلگرامی کرد که اعضای آن تعدادی از دوستانش بود. پس از چند بار ارتباط پیامکی متوجه شدم مدتی قبل یکی از دوستانم گوشی و خط تلفنش را به سمیه می‌دهد که شماره من جزو مخاطبینش بوده و از این طریق سمیه به من پیام داد و مرا عضو گروه تلگرامی دوستانش کرد. شش‌ماهی ارتباط پیامکی و تلفنی داشتیم و برای هم پیام‌های عاشقانه می‌فرستادیم تا اینکه بهم علاقه پیدا کردیم و یکدیگر را ملاقات کردیم. پس از اینکه همدیگر را دیدیم عاشق هم شدیم و از آن روز به بعد ارتباط ما بیشتر شد و تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. وقتی موضوع را با خانواده‌ام در میان گذاشتم آنها قبول کردند، اما مدتی بعد سمیه رازی را برای من برملا کرد که خانواده‌ام مخالف ازدواج ما شدند. سمیه به من گفت که افغانی است و پدرش معتاد به مواد مخدر است و زندگی خوبی ندارند. من عاشق او شده بودم و تفاوتی نداشت که چه مذهبی دارد یا اهل کدام کشور است، اما خانواده‌ام سخت مخالف بودند. پس از این ارتباط مخفیانه ما ادامه داشت اما هر روز سمیه افسرده‌تر و عصبی‌تر می‌شد که متوجه شدم پدرش همیشه او را در خانه کتک می‌زند و او را اذیت می‌کند به طوریکه چند باری او تصمیم به خودکشی گرفته بود، اما من و مادرش او را منصرف کرده بودیم. او سه‌خواهر و دو برادر داشت و همیشه از من می‌خواست هر چه زودتر با او ازدواج کنم و او را نجات دهم. از طرفی هم مادرش مخالف ارتباط ما بود و معمولاً ساعت‌هایی که مادر و پدرش خانه نبودند به دیدن من می‌آمد. روز حادثه ساعت ۲۰شب او را سوار خودروام کردم و به راه افتادم. سمیه خیلی عصبانی بود که تلفنش زنگ خورد. مادرش به او گفت چند روزی است خواهرش به خانه نیامده است. وقتی این حرف را شنیدم به او اعتراض کردم که چرا مرا در جریان این موضوع قرار نداده‌است که سمیه بیشتر عصبانی شد و در را باز کرد و قصد داشت خودش را به پایین پرت کند که قفل مرکزی را زدم و مانع او شدم. او دوباره در را باز کرد و باز هم من مانع او شدم و دقایقی با او حرف زدم تا اینکه آرام شد اما ناگهان قفل مرکزی را باز کرد و در حالی که حدود ۷۰کیلومتر سرعت داشتم خودش را از داخل خودرو به بیرون پرت کرد.

متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایای پنهان حادثه به دستور قاضی مرادی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. همچنین بازپرس پرونده دستور داد همزمان با بررسی فیلم دوربین مداربسته محل حادثه از تنها شاهد عینی این حادثه که یکی از اهالی محل است تحقیق شود.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد

۸۸۳۴۱۶۵۴

متن آگهی

در پرونده کلاسه ۹۶۱۹۲۰/ب۱ اتهامی بهنام شرافتی دائر بر فحاشی و تخریب عمدی و اخلال در نظم عمومی شکایت آقای محسن رستیم در این شعبه شکایتی مطرح گردیده است که متهم اخیرالذکر با وصف ابلاغ احضاریه از طریق دایره ابلاغ تاکنون جهت رسیدگی و ادای توضیح نسبت به اتهامات انتسابی در این شعبه حاضر نگردیده است.لکن به تجویز ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری، بدینوسیله به نامبرده ابلاغ می‌گردد ظرف ۳۰ روز از تاریخ نشر آگهی به جهت رسیدگی و ادای توضیح در این شعبه بازپرسی حاضر گردد. در غیر این صورت به اتهام وارده به صورت غیابی رسیدگی خواهد شد.

۴۳۲۵۱/م.الف بازپرس شعبه اول دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱۶ بعثت تهران- آرش سیفی

متن آگهی

در پرونده کلاسه ۹۷۰۲۷۵ در این شعبه دادگاه حسب گزارش پلیس راهور بر علیه آقای یاسر پورمحمد به اتهام ایراد ضربو جرح عمدی و رانندگی بدون پروانه تحت تعقیب می‌باشد نظر به اینکه متهم فوق مجهول‌المکان می‌باشد وقت رسیدگی در تاریخ ۹۷/۶/۶ ساعت ۸:۴۵ تعیین می‌گردد بدینوسیله به تجویز ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری به نامبرده ابلاغ می‌گردد ظرف مهلت مقرر در این شعبه جهت رسیدگی حاضر شوید والا غیابا اتخاذ تصمیم خواهدشد.

۴۳۲۵۲/م.الف رئیس شعبه ۱۰۰۳ دادگاه کیفری ۲ مجتمع قضایی ولیعصر تهران (شعبه ۱۰۰۳ جزایی سابق)- داود ابراهیمی

متن آگهی

در پرونده کلاسه فوق متهم آروین رضوی به اتهام تحصیل مال مسروقه و کلاهبرداری تحت تعقیب قرار گرفته است با عنایت به مجهول‌المکان متهم ودر اجرای مقررات ماده ۱۷۴ ق.آ.د دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به نامبرده ابلاغ می‌گردد تا ظرف مهلت یک ماه پس از انتشار این آگهی جهت دفاع از اتهام انتسابی در این شعبه حاضر گردد.بدیهی است در صورت عدم حضور مطابق مقررات رسیدگی غیابی به عمل آمد.

۴۳۲۵۸/م.الف دادیار شعبه ۲ دادسرای ناحیه ۱۱ تهران- مهدی صانعی

متن آگهی

در پرونده کلاسه فوق متهم شهرام صادقی به اتهام مشارکت در فروش مال مسروقه تحت تعقیب قرار گرفته است با عنایت به مجهول‌المکان متهم و در اجرای مقررات ماده ۱۷۴ ق.آ.د دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به نامبرده ابلاغ می‌گردد تا ظرف مهلت یک ماه پس از انتشار این آگهی جهت دفاع از اتهام انتسابی در این شعبه حاضر گردد.بدیهی است در صورت عدم حضور مطابق مقررات رسیدگی غیابی به عمل آمد.

۴۳۲۵۹/م.الف دادیار شعبه ۲ دادسرای ناحیه ۱۱ تهران- مهدی صانعی

متن آگهی

در پرونده کلاسه فوق متهم ابوالفضل مقیسه به اتهام توهین تحت تعقیب قرار گرفته است با عنایت به مجهول‌المکان متهم ودر اجرای مقررات ماده ۱۷۴ ق.آ.د دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به نامبرده ابلاغ می‌گردد تا ظرف مهلت یک ماه پس از انتشار این آگهی جهت دفاع از اتهام انتسابی در این شعبه حاضر گردد.بدیهی است در صورت عدم حضور مطابق مقررات رسیدگی غیابی به عمل آمد.

۴۳۲۶۰/م.الف دادیار شعبه ۲ دادسرای ناحیه ۱۱ تهران- مهدی صانعی

متن آگهی

آگهی ابلاغ وقت دادرسی به؛ به دستور تجویز ماده ۱۱۵-۱۸۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب به متهم مجهول‌المکان (آقای محمدرضا موسوی) که مشخصات دیگری از ایشان در دسترس نیست بدینوسیله ابلاغ می‌گردد پرونده اتهامی ایشان به کلاسه ۹۶۱۱۱۱/۱۰۳۴ در این دادگاه به اتهام ضرب و جرح عمدی و تخریب و تهدید و توهین (جنبه عمومی/خصوصی) در مورخ ۹۷/۶/۱۹ ساعت ۸:۳۰ صبح یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار درج می‌گردد تا متهم در موعد مقرر خود را به این شعبه مستقر در تهران — میدان هفت تیر- خیابان مفتح- روبروی مجموعه ورزشی شیرودی- انتهای خیابان شیرودی مجتمع قضایی شهید قدوسی معرفی و از خود دفاع نمایند و الا دادگاه غیابا رسیدگی و رای مقتضی صادر خواهند نمود.

۴۳۲۵۳/م.الف منشی شعبه ۱۰۳۴ دادگاه عمومی جزایی تهران- مهدیون

آگهی احضار متهم

به استناد ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به علت مجهول‌المکان بودن بدینوسیله به متهمان آقایان سیاوش پیشه‌ور، مهرداد پیشه‌ور، سهراب پرکاری اعلام می‌گردد که شاکی آقای حمید حسن خلیلی علیه نامبردگان به اتهام فحاشی، تهدید و جرح عمدی شکایت نموده و پرونده به کلاسه ۲ب/۹۷۰۲۵۷ در شعبه دوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۵ تهران مطرح رسیدگی می‌باشد. مراتب طی یک نوبت در روزنامه منتشر تا متهم ظرف مهلت یک ماه از تاریخ انتشار آگهی جهت دفاع از اتهام انتسابی به این شعبه مراجعه نمایند. نتیجه عدم حضور اتخاذ تصمیم قانونی خواهد بود.

۴۳۲۵۰/م.الف بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۵ تهران- پورحقی

آگهی رای هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات تعیین تکلیف مستقر در ثبت و املاک شهرستان سنندج. تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان ذیل تایید گردیده لذا بدینوسیله مشخصات املاک در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نماید و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نموده و گواهی اخذ و تحویل اداره ثبت نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

رئیس ثبت منطقه یک سنندج -بهنام

بخش ۳: شش دانگ یک باب ساختمان به نام منصور رحمانی فرزند علی صادره سنندج تحت پلاک ۲۰۲۰ فرعی از ۲۷۴۸ اصلی بخش ۳ به مساحت ۷۰ متر مربع به آدرس سنندج نایسر کوچه مهاباد ۱۳

نوبت اول: ۹۷/۴/۱۶ نوبت دوم ۹۷/۴/۳۱

م‌الف: ۵۹۲۵